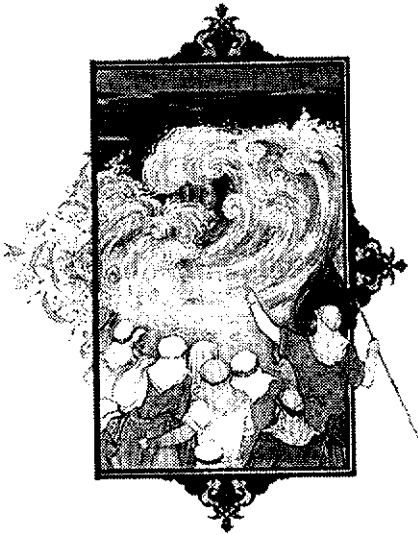


نگرشی نو به معجزه



دکتر محمد حسین برومند

مقدمه

ریشه امتیاز قرآن در میان کتب بی شمار اطراف آن که عمر انسان کفاف بررسی عمیق و همه جانبه آنها را نمی دهد، این است که گفته می شود: کتابی است غیر بشری و از سوی پدیده آوردنده انسان و جهان. این احتمال و تفاوت اساسی که قرآن تراوشات فکری بشر نباشد برای یک محقق بصیر کافی است که موقتاً از توجه به سایر پژوهش های انسانی چشم پوشد و تحقیق راجع به آن را بر کارهای مشابه مقدم دارد. زیرا در صورت صحت این انتساب با تکیه به آن می توان به حقایقی دست یافت که به روال عادی سال ها طول می کشد بشر به آن دست یابد، و ای بسا اساساً از حوزه دانش او بیرون باشد و کسی که از آن استنکاف ورزد و به چنین پدیده ای اهمیت ندهد اگر چه در کار علمی خود بسیار موشکافی کرده و عمیق شود، در مجموع کارش به حرکات ماهرانه کودکی شباهت دارد که هر روز با اسباب بازی های خود دست به ابتکارهای تازه می زند و به آن دلخوش است و اصلاً فراتر از آن را به هیچ می شمارد و منتهای دیدش همان است و یا مثل کسی است که در این عصر بخواهد بدون در نظر گرفتن آخرین نتایج علمی در شعبه ای از دانش بشری از صفر شروع کند و غرورش اجازه بررسی و مطالعه کار دیگران را به او ندهد.

حقانیت قرآن

همین که به قرآن روی می آوریم قبل از هر گونه بررسی، مسأله حقانیت آن جلب توجه می کند، زیرا تا این موضوع روشن نشود و غیر بشری بودن آن ثابت نگردد هیچ دلیلی ندارد تا در صدر مطالعات و تحقیقات جای گیرد و پرداختن به آن ترجیح بلا مرجح است و مسلماً دامنه

گسترده افکار و عقاید، فرصت توجه دقیق و جامع نسبت به آن را می‌کاهد. با احساس ضرورت تبیین و رشد آن در اندیشه حامیان قرآن، ضمن بحث‌های کلامی، تفسیری و اصولی مسأله‌ای کتبی به نام اعجاز مورد توجه قرار گرفت و صرف نظر از مقدمه کتب تفسیر و ذیل آیات تحدی، به تدریج کتبی اختصاصی تحت عنوان اعجاز قرآن یا عناوین مشابه تألیف شد.^۱ البته نباید انتظار داشت که از همان ابتدای احساس نیاز به تبیین و حتی پس از بلوغ این اندیشه که تألیفات مستقل را به دنبال داشته، هر اثری در حد کمال باشد و به مطالبی پرداخته باشد که جز با گذشت زمان و پیشرفت دانش بشری فهم آن میسر نبوده و نمی‌باشد، ولی بسیار جای تعجب و تأسف است اگر با گذشت قرن‌ها، مؤلفان قرون اخیر همچنان خود را در محدوده‌های کهنه محصور سازند و متفکران عصر حاضر را بررسی پیرامون حقانیت قرآن به افکار و آرای متناسب با صدها سال پیش حواله دهند و به آن اکتفا نمایند.

دیدگاه‌های اصلی ما

اصل اساسی ما این است که قرآن به عنوان کتابی که به خالق جهان منسوب می‌شود، در صورت صحت انتساب نیازی به شیوه‌های باطل یا شواهد سست برای نفوذ در دل‌ها ندارد و کسی که قرآن را حق می‌داند نه تنها از این امر هراس ندارد بلکه به استقبال می‌شتابد اگر چه رسیدن به مقصد نهایی، محتاج کاری جدی‌تر باشد، به هر حال «از راه باطل نمی‌توان به حق رسید.»^۲ بنابراین از پذیرش مطالبی که بر حق بودن آن دلیل داریم دست بر نخواهیم داشت اگر چه بر زبان و قلم نویسنده‌ای گمنام جاری شده یا مورد بی‌مهری بینش‌های فرقه‌ای قرار گرفته باشد یا دفاع از آن سرزنش همگان را برانگیزد زیرا معتقدیم که: «در طریق حق نباید از قلت اهل آن دچار وحشت شد و باید حق را شناخت تا بتوان اهل آن را شناخت.»^۳

سیر اندیشه بر محور اعجاز

اغلب کسانی که درصدد تبیین حقانیت قرآن برآمده‌اند عمل اعجاز را برای مدعیان رسالت لازم دانسته‌اند و چون مفهوم لغوی واژه اعجاز آن طور که در نظر ایشان بوده برای تبیین حقانیت کارایی نداشته شرایط مورد نظر خویش را بر این واژه بار کرده و اقدام به تعریف اصطلاح اعجاز کرده‌اند. مهم این است که باید ثابت کنند ظهور اعجاز طبق تعریف، دال بر حقانیت است. بنابراین مبنای آنها در تبیین شرایط این است که سایر امور خارق العاده را از دور خارج

کنند تا به محض تحقق اعجاز صحت انتساب عمل به خداوند نتیجه شود. و اگر این سیر درست طی شود و مؤلف بر خطا نرفته باشد و تلازم بین ظهور اعجاز و صحت انتساب قطعی باشد، مسلماً همان تعریف اعجاز درباره قرآن هم صادق است و به محض این که تحقق اعجاز قرآن برای تمام زمانها قرار است تحقق داشته باشد و همواره امکان دارد معارضه‌ای با آن صورت گیرد. برای مقایسه بین قرآن و معارضات تازه، ناگزیر باید وجه یا وجوه اعجاز را شناسایی کرد تا در تشخیص مورد برتر تردید باقی نماند. پس اهمیت فوق العاده این موضوع را از همین جا به راحتی می‌توان فهمید و اگر در حقیقت، قرآن کتابی الهی باشد و به همه عصرها و نسل‌ها تعلق داشته باشد پس باید بالقوه توان در هم شکستن قوی‌ترین معارضات را داشته باشد و زمانی این توان فعلیت می‌یابد که در تبیین وجوه اعجاز و مسائل مربوط به آن، کوششی محققانه صورت پذیرد.

فرضیه وحدت متدیک در تبیین حقانیت قرآن

در تبیین حقانیت قرآن به طور کلی اگر شیوه‌ای مستقیم در پیش گرفته شود و قابل انتقال به دیگران باشد. اصطلاحاً می‌گویند: «وحدت متدیک» به چشم می‌خورد.^۴ به طور خلاصه می‌توان چهار مرحله اساسی برای تبیین حقانیت قرآن بر مبنای اعجاز پیش بینی کرد.

۱. تعریف اصطلاح اعجاز به گونه‌ای که تحقق آن در خارج دال بر حقانیت باشد.
۲. اثبات دلالت تحقق شرایط اعجاز بر حقانیت انجام دهنده.
۳. بیان تحقق اعجاز قرآن از عصر پیدایش آن تاکنون بنا به تعریف.
۴. ریشه یابی اعجاز قرآن و ابعاد گوناگون آن.

مکانیزم دلالت یک پدیده (معجزه) بر صحت انتساب به خداوند

برای این که اعجاز بتواند دال بر حقانیت باشد از یک سو باید شرایطی خاص بر مفهوم لغوی آن بار شود و از سوی دیگر برای دست یافتن به این شرایط لازم است کیفیت دلالت یک پدیده را بر حقانیت شناسایی کرده و پارامترهای مؤثر را استخراج کرد از جمله:

الف) شخصی که مدعی رسالت از جانب خداوند است، اگر در ادعای خود صادق بوده و توقع داشته باشد دیگران هم ادعایش را بپذیرند، ناگزیر باید دلیلی ارائه کند که ارتباط او را با

پروردگار ثابت کند وگرنه دیگران هم می توانند بدون دلیل مدعی رسالت گردند .
 ب) دلیل او به هر شکل ، پدیده ای است که ارائه آن فقط از عهده خداوند برمی آید و گرنه باز هم کسانی که می توانند همانند آن را عرضه کنند می توانند مدعی رسالت هم بشوند .
 ج) برای این که کسی نتواند با آن پدیده معارضه کند باید هرگز امکان دست یابی به علل^۵ آن فراهم نشود زیرا اگر کسی به آن دست یابد می تواند همانندش را ارائه نماید . به این ترتیب ، نباید پدیده را در میان اموری جست و جو کرد که قابل تعلیم و تعلم بوده و علل آن قابل شناسایی است . به عبارت دیگر از یک سو پدیده مورد نظر باید امری خارق العاده باشد و از سوی دیگر به دلیل حاکمیت اصل علیت ، علل آن از نوع عادی و شناخته شده نخواهد بود بلکه به گونه ای است که هرگز نمی توان به آن دست یافت مگر به اذن خداوند .

د) همواره این احتمال وجود دارد که از نظر شکل ظاهری و با استفاده از عللی که بشر به آن دست یافته کاری مشابه آنچه دلیل بر حقانیت است صورت پذیرد و امر مشتبه گردد و مردمی که ناظر بر پدیده ها هستند دچار سرگردانی شوند و کافی نیست که علل اعجاز غیر قابل دسترسی باشد .^۶ بنابراین از طرفی شکل پدیده ممکن است تقلید شود و از طرف دیگر مردم راهی به تشخیص باطن آن ندارند پس چه باید کرد؟ در اینجا با استفاده از یک اصل اساسی ، پارامتر دیگری را در تشخیص دخالت می دهیم و آن اینکه اگر کسی از جانب خداوند پشتیبانی شود باید بر موارد مشابه غلبه یابد ، لذا کافی است دیگران را به مبارزه دعوت کند ، اگر این دعوت را تحذی بنامیم در برابر آن دو حالت پیش می آید :

۱ . هیچ کس توان مبارزه در خود نمی بیند پس در این صورت ، مشکل اشتباه معجزه با شبه معجزه پیش نمی آید .

۲ . پس از تحذی ، شخصی به قصد معارضه پدیده ای را عرضه می کند و این دو حالت دارد :
 ۵۱ اول این که او خود مدعی پیامبری نیست ، در این صورت از نظر ترجیح ، مشکلی وجود ندارد و در بطلان طرفی که مدعی نیست نمی توان تردید کرد ، زیرا مأمور الهی تا وقتی که ادعای رسالت نکند راهی برای ابلاغ پیام ندارد ، اما هنوز مسأله حقانیت طرف مقابل باقی است زیرا امکان دارد این مبارزه بین دو جناح ناحق واقع شده باشد . دیگر اینکه ممکن است هر دو طرف مدعی رسالت باشند و هر دو به تحذی پردازند ، در این دو صورت راه تشخیص کدام است ؟ درست است که همواره احتمال درگیری دو جناح باطل وجود دارد اما آیا خداوند نسبت به این وضع بی تفاوت برخورد می کند و اگر واقعاً بنای ارسال پیامبری به سوی مردم داشته باشد

به غلبه باطل که اینک مبارز می طلبد پاسخ نمی دهد؟ آیا این امر اغرای جاهل نیست و ناپسند به نظر نمی رسد؟ اگر پذیرفته باشیم که بعثت ضرورت دارد و تحقق یافته، پس چرا پیامبر حق در برابر هجوم باطل ساکت مانده و عقب نشینی کرده است؟ و چون چنین احتمالی پذیرفته نمی شود، می توان نتیجه گرفت همان فرد غالب در حقیقت با خداوند پیوند دارد و همین غلبه او بر اقران کاشف از صحّت انتساب او به پروردگار جهان است: ^۷ خلاصه آنکه پارامترهای مؤثر در دلالت اعجاز بر حقانیت را که مردم می توانند جهت تشخیص معجزه از موارد مشابه به کار گیرند باید از این قرار دانست:

۱. تحدّی در مقام ادعای رسالت

۲. غلبه آشکار بر شبه معجزات

بررسی ویژگی های قرآن با پارامترهای اصلی معجزه

اکنون بینیم پدیده ای به نام قرآن، با در نظر داشتن موارد فوق چه وصفی دارد؟ اولاً این پدیده چون یک کتاب است، بالقوه توان حمل ادعای تحدّی خود را تا لحظه ای که باقی است دارد و از این نظر نیازی به حضور آورنده و ظاهر کننده خود نیز ندارد. بنابراین محدودیت عمر صاحب چنین پدیده ای مانع تداوم تحدّی آن در زمان های بعد و ادوار آینده نیست و کافی است که تحدّی صورت پذیرفته باشد.

ثانیاً نه تنها بالقوه توان حمل تحدّی خود را داشته، بلکه صورت پذیرفته، و در صور گوناگون همگان را از ارائه پدیده ای مانند آن ناتوان دانسته است و این تحدّی دقیقاً در مقام ادعای رسالت آورنده و به عنوان گواه صدق او مطرح شده است. مثلاً در سوره اسراء آیه ۸۸ چنین آمده است: بگو اگر جن و انس گرد هم آیند که (بخواهند) نظیر این قرآن را بیاورند، و لو برخی از آنان پشتیبان برخی دیگر باشند، نمی توانند به مانند آن را بیاورند. و یا در سوره هود آیه ۱۳ می خوانیم:

یا می گویند (محمد)، این قرآن را بر ساخته است. بگو اگر راست می گوید ده سوره بر

ساخته همانند آن بیاورید و هر کسی را که می توانید در برابر خداوندی به یاری بخوانید.

و در سوره بقره آیه ۲۳ و ۲۴ با استحضامی دو چندان چنین آمده است:

و اگر از آنچه بر بنده خویش فرو فرستاده ایم شک دارید، اگر راست می گوید سوره ای

همانند آن بیاورید، و یاوران خود را - از غیر خدا - (به کمک و یاری) بخوانید. ولی

اگر چنین نکرديد - که هرگز نخواهيد کرد - از آتشی که هيضم آن مردم و سنگهاست (و) برای کافران آماده شده است، بترسيد.^۸

بنابر این؛ پارامتر اول به وضوح درباره این پدیده مصداق دارد و برخلاف هر نوع پدیده دیگر اعم از معجزه و غیر معجزه همواره و لحظه به لحظه با آن همراه است و جزء لاینفک آن به شمار می رود و قابلیت آن را دارد که به اعصار آینده منتقل گردد، بدون آن که عامل پیدایش پدیده بین مردم حاضر باشد. و گویی که حاضر است و با مردم سخن می گوید و لحظه به لحظه و بدون ذره ای فاصله زمانی دعوت خود را تکرار می کند. بنابراین عالی ترین و جدی ترین نوع تحدی است که دائماً ادامه دارد.

اما در برابر یک تحدی به طور کلی دو حالت پیش می آید یکی این که پاسخی شنیده نمی شود و اقدامی صورت نمی گیرد در حالی که می بینیم اقلأ گروهی مخالف با آن فرد مدعی پیامبری وجود دارد و به خاطر این مخالفت از یک سو، و تحقیر شدن و احساس ناتوانی، از سوی دیگر برای عکس العمل، انگیزه کافی دارند، مسلماً در این صورت غلبه آشکار تحقق یافته است. و دیگر این که بعضی برای پاسخ به تحدی اقدام می کنند و او را بی جواب رها نمی سازند یعنی می کوشند با ارائه پدیده ای همانند، نشان دهند کاری فراتر از توان بشر صورت نگرفته است مثلاً اگر مدعی پیامبری قادر است با انداختن یک چوبدستی آن را به ازدهایی مهیب تبدیل کند.^۹ مخالفان او نیز سعی می کنند شکل پدیده را با استفاده از علم خود تقلید نمایند و چنان که قبلاً گوشزد شد، خارق العاده بودن را با توجه به شکل نمی توان تشخیص داد، ای بسا پدیده ای با شکل عجیب و غریب ظاهر گردد ولی بشری باشد و به تدریج روابط ظهور آن کشف گردد و ای بسا پدیده ای در ظاهر، عادی به نظر برسد اما هرگز بشر نتواند به آن دست یابد. برای تشخیص این امر کافی است کسی که تردید دارد وارد عمل شود و از تمام نیروهای بشری یا غیر بشری یاری جوید و در وهله اول اگر می تواند کمر به نابودی آن پدیده و آوردن اش ببندد و کاری کند که از صحنه روزگار محو شوند و اثری از آثارشان باقی نماند.^{۱۰} و اگر نمی تواند، اقلأ پدیده ای مشابه را عرضه نماید به طوری که همان خواص و ویژگیها را داشته باشد و نشان دهد ارائه چیزی همانند آن امکان پذیر است و به این ترتیب مانع جلب توجه و گسترش بازار آن شود.^{۱۱} پس اکنون که چنین پدیده ای در قالب یک کتاب، با نیرومندترین و مداوم ترین نوع تحدی به میدان آمده و لحظه به لحظه دعوت خود را تکرار می کند و صدها سال از درگذشت آورنده اش می گذرد و در تمام ادوار پیوسته طیفی از مخالفان را

همراه داشته است و از ابتدای ظهور، برای ریشه کن کردن این پدیده و آورنده اش جنگ های خونین برپا شده، ۱۲ جا دارد مخالفان دست به دست هم دهند و آن را برای همیشه از میان براندازند و ثابت کنند حامی ندارد و از جانب نیروهای الهی پشتیبانی نمی شود.

تفاوت موضوع تحقیق اعجاز با ریشه یابی آن

در اینجا نکته ای با اهمیت نهفته است که معمولاً یا مورد غفلت واقع شده و یا بیان مفسران و مؤلفان علوم قرآنی حاکی از خلط و اشتباه دو امر است، یعنی هرگاه پدیده ای تحقق یابد، دو نوع سؤال می تواند مطرح شود. یکی این که چه دلیلی داریم بر این که اصلاً آن پدیده واقع شده و نشانه اش چیست؟ و دیگر این که چگونه و با چه مکانیزمی صورت پذیرفته، یعنی در سؤال نوع دوم، در وقوع آن بحثی نداریم اما کیفیت وقوع مورد سؤال است. پس اگر مثلاً انفجار یا زمین لرزه ای رخ داده و کسی در تحقق آن تردید داشته باشد می تواند به محل حادثه مراجعه کند و شاهد آثار آن باشد. زیرا تحقق هر پدیده را با آثارش می شناسیم، ولی برای بررسی مکانیزم وقوع و اسرار آن دیگر کاری به آثار نداریم، بلکه سعی می کنیم با شناسایی پارامترهایی که دست به دست هم داده و زمینه ساز بروز حادثه شده است به ریشه یابی پردازیم. به این ترتیب ما با توجه به نوعی از آثار قرآن، تحقق اعجاز آن را بررسی کرده و می بینیم امری قطعی و مسلم است، اما این که رمز این تحقق چیست و چگونه امکان پذیر شده بحثی دیگر است. به عبارت دیگر خواه موفق شویم توجیهی شایسته از کیفیت و اسرار وقوع آن ارائه دهیم و خواه موفق نشویم چیزی عوض نمی شود. ۱۳ مؤلفان و مفسران قرآن می کوشند رمز موفقیت و نفوذ خیره کننده قرآن را تفسیر کنند و اگر نهایتاً از عهده آن برنیایند یا اختلاف نظر داشته باشند تأثیری بر آنچه تحقق یافته ندارد و لازم است متوجه تفاوت در موضوع مجزا ولی مرتبط باشند. ۱۴ و کسی که از آن غفلت ورزد ممکن است مثل کسی به توجیه مسائل پردازد که از او پرسند «اسرار وقوع فلان زلزله» چیست؟ و او در پاسخ گوید: «یکی از اسرار آن ویرانی خانه ها و اماکن است! دیگر این که زمین شکاف برداشته است!! و از این قبیل.» در حالی که اینها آثار و نشانه های وقوع است، نه اسرار و رموز آن.

نسبیت حاکم بر تحقق اعجاز قرآن و تجدد آن

گرچه موضوع تحقق اعجاز از مکانیزم وقوع آن جدا است اما در مورد قرآن، نسبیتی

خاص حکومت دارد. این پدیده چون بناست به همه عصرها تعلق داشته باشد، تحقق اعجاز آن دائماً در حال تجدد است. یعنی اگر تا دیروز تحقق داشته، امروز ممکن است فردی مدعی معارضه گردد و به محض ادعا، در صورت بروز تردید تا حصول اطمینان از ناتوانی معارضه جدید، جای بررسی وجود دارد و به محض اطمینان، با تحقیق تازه روبرو هستیم و پیوسته این حالت می تواند تکرار گردد.

در واقع برای کسی که تحقق اعجاز را باور دارد، تحقیق در وجوه اعجاز و ریشه یابی آن تازه آغاز می شود اما شناسایی این وجوه به منظور نشان دادن ویژگی های قرآن و این که نمی تواند همانندی داشته باشد برای کسی کاربرد دارد که هنوز مطمئن از تحقق اعجاز نیست. و به این ترتیب بر آن مقدم می گردد.

حال جای این سؤال هست که مگر کسی می تواند بدون شناخت وجوه اعجاز قرآن، تحقق آن را باور داشته باشد؟ در حقیقت وقتی نگاه ما به گذشته هاست و می بینیم به هر دلیل قرآن بر سایر اقرا غلبه یافته و آثار این غلبه مشهود است می توانیم قبل از شناسایی رموز آن به تحقق اعجاز ایمان آوریم. ولی با توجه به معارضات جدید نمی توانیم خود را بی نیاز از ریشه یابی احساس کنیم، به ویژه آن که معارضات تازه ممکن است به صورتی قوی تر و شبیه برانگیزتر به میدان آید. پس روی هم رفته ریشه یابی از آن نظر که تاکنون غلبه با قرآن بوده و اعجاز تحقق داشته، متأخر از آن است ولی بدین لحاظ که تحقق در حال نو شدن و تجدد است بر آن تقدم دارد.

هم چنین برای بررسی تحقق هنگام ادعای معارضه، بر فرض برخورداری از برخی آثار ظاهراً مشابه با آگاهی از ویژگی های استثنایی قرآن که به برکت شناسایی وجوه اعجاز آن مسیر گردیده، می توان ناتوانی معارضات احتمالی را ثابت کرد و نشان داد هنوز «مثل» آن ارائه نشده و اعجاز هم چنان به قوت خود باقی است. به عبارت دیگر هر گاه بنا به فرض، معارضه ای صورت پذیرد اگر از هیچ جهتی به پدیده مدعی اعجاز شبیه نباشد معلوم است که نمی توان نام معارضه بر آن نهاد ولی اگر از جهتی، و لو به طور نسبی شباهتی ظاهری به چشم بخورد، لازم است با نشان دادن جهات دیگر ثابت کرد که، در مجموع پدیده مدعی معارضه به وضوح با پدیده مدعی اعجاز فاصله دارد و اصلاً قابل مقایسه محسوب نمی شود.

به این ترتیب، شبهه ای که از یک جهت پدید آمده بود، با در نظر گرفتن سایر جوانب کاملاً زدوده خواهد شد زیرا مسلماً آرائه «مثل و مانند» برای یک پدیده هنگامی معنی دارد که ویژگی های گوناگون و اساسی آن^{۱۵} را حائز باشد و گرنه چگونه می توان عنوان «مثل» بر آن نهاد.

سخن پایانی

ظهور اعجاز برای قرآن با توجه به پارامترهای مذکور چنان قطعی و یقینی است که جای هیچ گونه تردیدی در نشان دادن حقانیت قرآن برای کسی باقی نمی گذارد، ولی این ارائه آیات و روشن شدن حقانیت قرآن بدان معنا نیست که همه لزوماً ایمان خواهند آورد، بلکه جنبه اتمام حجت دارد. یعنی اگرچه متوجه حقانیت آن می شوند اما این شناخت باعث نخواهد شد مانند یک مؤمن به قرآن پایبند احکام آن شوند زیرا: الا انهم فی مریة من لقاء ربهم الا انه بكل شی محیط (فصلت، ۵۴/۴۱)

حال این سوال مطرح است که چرا با وجود روشن شدن حقانیت قرآن و این که می فهمند کتاب الهی است باز هم از لقاء پروردگارشان در تردید هستند؟ رمزش را آیه ای دیگر گوشزد کرده است: فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعبادة ربه احداً. (کهف، ۱۱۰/۱۸)

یعنی وصول به لقا از کانال عمل صالح توأم با اخلاص در عبادت و عشق به پروردگار میسر است و طبعاً هر چه بر میزان آن افزوده گردد انسان به مرحله عالی تری از لقا نایل می گردد و بدین سان مراحل یقین پشت سر نهاده می شود، نه با تجزیه تحلیل های عالمانه و فیلسوفانه. به عنوان نمونه تحلیل های فیلسوفانه برای این گونه افراد مشابه کار آن پزشکانی است که زیان مشروبات الکلی را به دقت می دانند اما از نوشیدن آن باز نمی ایستند و چه بسا کسانی که زشتی کار را می فهمند و از آن دست برنمی دارند یا محاسن عملی را می دانند و به آن روی نمی آورند، در حالی که اگر به دانسته های خود عمل می کردند دریچه های تازه ای از فهم حقایق به روی آنان گشوده می شد. ۱۶ و این وضع می توانست در صورت عمل مکرر به دانسته ها، آن قدر ادامه یابد تا نیل به مراحل عالی یقین را در پرتو مراتب برتر لقاء الله فراهم سازد. کسانی که حقیقتی را در می یابند و به مقتضای آن عمل نمی کنند پیوسته برتردیدشان افزوده خواهد شد و محال است کسی که اعمال بدی دارد و از آن دست برنمی دارد موفق شود قبلاً به پروردگارش یا کتاب او ایمان آورد و شک و دو دلی او را رها نخواهد کرد. چنین فردی باید بداند مانع او ندانستن نیست بلکه عمل نکردن به دانسته هاست، این است که قرآن و فهم آن کاربردی برای این گونه افراد ندارد بلکه مایه زیان پی در پی برایشان خواهد شد و از ایشان هیچ انتظاری جز ایمان نیاوردن^{۱۷} نباید داشت.

۱. از جمله آثار معروف قدما، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:
 - ۱- نظم القرآن، منسوب به ابو عثمان، عمرو بن بحرین محبوب الجاحظ، ۲۵۵ هـ. ق.
 - ۲- اعجاز القرآن، ابو عبدالله محمد بن یزید الواسطی، ۳۰۶ هـ. ق.
 - ۳- بیان اعجاز القرآن، ابوسلیمان محمد بن الخطابی، ۳۸۸ هـ. ق.
 - ۴- اعجاز القرآن، ابوبکر عبدالقاهرین عبدالرحمن الجرجانی، ۴۷۱ هـ. ق.
 - ۵- الرساله الشافیه، همان مؤلف.
۲. برگرفته از سخن مولا علی (ع) که می فرماید: فلا یبصرون الحق من الباطل، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴، ترجمه: محمد دشنی، اصفهان: انتشارات فرهنگ مردم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳. همان، خ ۲۰۱.
۴. این که گفتیم تحقق فرضیه وحدت متدیک در تبیین، مشروط به اتخاذ روشی مستقیم است به این دلیل بوده که امکان دارد فردی پس از تعریف اصطلاح اعجاز و بیان دلالت آن بر حقیقت، تحقق معجزاتی دیگر را برای آورنده قرآن از طریق نقل تاریخی و تواتر اثبات نماید و آن گاه با توجه به اثبات حقیقت وی، حقیقت قرآن را نتیجه بگیرد که طبعاً روشی غیر مستقیم قلمداد می شود و البته لزوماً اختصاصی به کانال اعجاز هم ندارد بلکه از هر راهی غیر از قرآن که فردی حقیقت آورنده آن را ثابت کند بلافاصله می تواند حقیقت قرآن را نتیجه بگیرد و در هر حال راهی غیر مستقیم محسوب می گردد، کما اینکه اگر فردی بتواند از کانال تصرف روحی، حقیقت قرآن را به دیگری القا کند شیوه ای غیرمستقیم است و یا اگر انسان به گونه ای عمل کند که مشابه یک پیام آور، حقیقت قرآن را با قلب و روح خود تلقی کند چون قابل انتقال به دیگران نمی باشد، پس از فرض یاد شده خارج است و در همین حکم است کسی که به طور فطری به قرآن گرایش و کشش دارد، اما نمی تواند این پدیده را توصیف کند و نیز کسی که به هر دلیل، غیر از اعجاز، به حقیقت قرآن معتقد باشد ولی نتواند علت را به دیگری منتقل سازد.
۵. منظور علت تامه است.
۶. اگر چه غیر قابل شناخت و دسترس بودن جزء ویژگی های معجزه است اما در تشخیص مردم نقش ندارد و جای اشتباه وجود دارد، مثلاً عملیات مرتاضان به خاطر برخورداری از شکل غیر عادی برای بعضی مایه اشتباه شود و متقابلاً ممکن است مردم پدیده ای را عادی و قابل تعلیم و تعلم تلقی کنند ولی برخورداری از علل عادی باشد، پس پارامترهای دیگر در تشخیص نقش دارد.
۷. البته این موضوع از ظرافت بیشتری برخوردار است که بیان آن از بعضی نظرات نیاز به مکملی دارد تا ابهامات کاملاً زدوده شود و گرنه در آن شبهه است ولی فعلاً به همین فرضیه رایج اکتفا می شود.
۸. این دعوت الهی به این که منکران اگر مدعی اند که قرآن منشاء الهی ندارد و بر ساخته خود پیامبر است نظیری بیاورند در چند آیه دیگر هم آمده است: یونس/ ۳۸، رعد/ ۳۱؛ قصص/ ۴۹ و ۵۰، طور/ ۳۳ و ۳۴.
۹. مربوط به معجزه موسی، سوره های قصص، بقره، انبیا و طه.
۱۰. سیر تاریخ انبیا و دشمنانشان بیانگر این موضوع است. ر. ک به: تاریخ انبیا و قصص قرآن.
۱۱. در تاریخ اسلام چندین نفر از داعیه داران در مقام نظیره گویی و معارضه یا قرآن بر آمدند و عبارات آنها چنان سست و سخیف و خنده آور بود که از ارائه آن صرف نظر کردند: محمود رامیار، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۱۲. تاریخ پیامبر اسلام، و معازی و اقدی.
۱۳. مثلاً حادثه ای اتفاق افتاده و شخصی از دنیا رفته است پزشکان سعی دارند علت مرگ را توضیح دهند، آیا تشخیص علت می تواند تغییری در آنچه واقع شده پدید آورد؟ مسلماً نه.
۱۴. رجوع کنید به تفاسیر مختلف شیعه و اهل تسنن ذیل آیات ۸۸ سوره اسراء و ۲۳ سوره بقره و ۱۳ سوره هود.
۱۵. مانند حفظ اصول فصاحت و بلاغت، اعجاز علمی - محتوای عالی - ارتباط با قبل و بعد و ...
۱۶. برگرفته از آیه ۲۹ سوره انفال.
۱۷. برگرفته از آیه ۲۹ سوره حدید.